

متن پرسش

سلام علیکم: در پرسخ و پاسخ شماره ۲۶۳۳۷ فرمودید ما سیاستمدار طراز سیاست متعالیه که تجلی سیاسی حکمت متعالیه است را هنوز در صحنه نداریم یا اندک هستند. واقعاً نمی دانم این تناقض است یا حکمتی در آن است که علیرغم این مطلب، ما در جایگاه ولایت فقیه نظام و انقلاب، دو عالم و انسان رهیافته به مقامات والای معرفتی و تعبدی نظیر امام و آقا را داریم که همین دو تن در عرصه مدیریت، تئوری سیاست دینی و ظهور تمدن اسلامی و مکتب مقاومت را دنبال می کنند و بعنوان مدیر طراز جهانی شناخته می شوند و قرن های ۲۰ و ۲۱ را متحول و حتی گره خورده به نام خویش می سازند و چنین سردمداران بزرگ مدرنیته و لیبرال_دموکراسی از شناختشان حیران و مقابلشان سرگردان و شکست خورده شده اند تا آنجا که شواردنازه وقتی پیام گورباچف را تسلیم امام کرد و عکس العمل قاطعانه ای را دید آنچنان در حیرت فرو رفت و امسال هم شینزو آبه مقابل خود رهبری را دید که در چنین عصری که رهبران جهانی مقابل ترامپ خاضع و محتاط اند، می گوید من حتی او را شایسته مبادله پیام هم نمی دانم و روابط ایران و ژاپن بحثش جداست و خود او فصل نوینی از روابط بین الملل در اندیشه اسلامی را طرح می کند. حالا این بحث هم که جای خود دارد چه بسیار افرادی که در سطح جهان مجذوبشان شده اند و آنها را مقتدای خویش می دانند و به تدابیرشان مطمئن اند. واقعاً علت اینگونه تناقضی چیست و چه حکمتی است تفاوت دو رهبر حکیم و متعبد با دیگران در نظام؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آن عزیزان یعنی حضرت امام و رهبر معظم انقلاب نشان دادند اگر به نور حکمت متعالیه، مسئولان ما منور شوند آن می شود که آن دو عزیز شدند. پس باید به نوعی از خودآگاهی برسیم که حدّ اقل از معارفی که در تفسیر قیّم المیزان به ظهور آمده است؛ سیاستمداران ما غفلت نکنند تا سیاستمدارانی در تراز انقلاب باشند. موفق باشید